

## مقاله پژوهشی

# معماری و نوستالژیا، پوشی بر یادآوری مفاهیم عاطفی معطوف به گذشته در فضای معماری (مطالعه موردی: خانه سنتی شکوهی در شهر یزد)

حوریه ابنا<sup>۱</sup>، سید محمد حسین آیت اللهی<sup>۲\*</sup>، محمد ایرانمنش<sup>۳</sup>

۱- دانشجوی دکتری معماری، دانشگاه یزد

۲- دکتری معماری (دانشیار)، عضو هیات علمی معماری دانشگاه یزد

۳- دکتری معماری (استادیار)، عضو هیات علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان

(دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۱۴، پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۲۳)

### چکیده

التفات به مفاهیم کیفی مرتبط با گذشته هر متنی، ارتباط پررنگ‌تر با مفاهیم عاطفی در آن را به دنبال دارد. درحوزه معماری نیز ارتباط با گذشته بستر، می‌تواند بر اختلالات ناشی از عدم پیوند روانی با مکان، تا حد زیادی فائق آید. در این مقاله، عطف به بروز احساس نوستالژیا در فضای معماری، به عنوان یکی از دغدغه‌های کیفی فضای معماری در راستای یک طراحی ادراکی مطرح می‌گردد؛ زیرا موجب تازه شدن روحیه و احساسات کاربر، به علت ظهور یاد و خاطره برخی مولفه‌های کیفی و لذت‌بخش در مکان می‌شود. توجه به احساس نوستالژیا در حوزه معماری، علاوه بر ایجاد آشنایی ضمنی با مکان، بیدار کردن روان جمعی بشر برای نگه‌داشتن رشته اتصال به ریشه‌های کهن زمان است. فضای معماری حاوی حس نوستالژیا به تجربه عاطفی مفاهیم توجه دارد. نوعی از تجربه مکان‌های معاصر که به علت یادآوری خاطرات خوش گذشته و برانگیختن برخی معانی واکنشی، انسان را به دلتنگی شیرین وا می‌دارد. این پژوهش با تمرکز بر مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی در زمینه مفهوم نوستالژیا، در حوزه‌های مرتبط از جمله ادبیات، روانشناسی و روانشناسی محیط، به تجزیه و تحلیل تفسیری از درک پدیده مذکور پرداخته است. همچنین با توجه به هدف عمده پژوهش، یعنی هدایت به سمت بروز این احساس با یادآوری برخی مفاهیم ضمنی در مکان، در عملیات میدانی تحقیق از تکنیک آزمون میدانی مصاحبه‌ها و پرسش‌نامه‌های نیمه ساختاریافته بهره گرفته شده است. مهمترین پیامد بروز نشانه‌های این احساس در فضای معماری، پدیدار شدن احساس تجربه یک فضای صمیمی، ملموس و تاثیرپذیر از بستر فرهنگی-اجتماعی است و در واقع تلاشی در جهت غنابخشی و معنادگی عاطفی به فضای معماری با التفات به گذشته محسوب می‌گردد. بر این مبنا، معنی اولاً می‌بایست از سطح معنی تجسمی به سطح واکنشی ارتقاء یابد؛ دوما مخاطب مکان را به واکنش عاطفی مثبت (در پی ارتباط با گذشته) ترغیب کند. لذا لایه‌های معنی بایستی طوری در محیط عملیاتی گردند که تداعی معانی عاطفی در عطف به گذشته، نسبت به محیط ایجاد گردد.

کلمات کلیدی: فضای معماری، نوستالژیا، خاطره، معانی واکنشی، تداعی، آشنایی ضمنی

## ۱- مقدمه

احساس نوستالژیا به تعلقاتی در گذشته انسان می‌پردازد که در زمان حال هم می‌توانند جریان داشته باشند و تفکر به آن‌ها دل‌تنگی شیرین را نسبت به از دست رفته‌ها، در دل افراد ایجاد می‌نماید که برای آن‌ها لذت بخش است و منجر به اختلال در احوالات زمان حال نمی‌گردد.<sup>۱</sup> یکی از اصلی‌ترین مشخصات انسان رابطه‌ی خاص او با زمان است. نوستالژیا معمولاً به یک علاقه یا جذب به گذشته و به خصوص روزگاری خوش و معمولاً از دست‌رفته اشاره دارد. نهاد انسان برخی ماجراجویی‌ها و تمایلات خود را در پیوند شیرین به گذشته و بیدار کردن آن‌ها در حال جستجو می‌کند. شدت و ضعف این موضوع به تفاوت اسکیمای در نهاد او و تغییر در ژنوتیپ وی مرتبط می‌گردد. احساس نوستالژیا هم در بُعد فردی و هم در بعد جمعی فعال است. این احساس در بعد فردی، مکانیسمی دفاعی در برابر وضعیت‌ها است؛ زیرا با مربوط کردن ضعف یا فقدان معنا یا تنهایی اکنون به خاطرات پررنگ گذشته، انسان را به یک شبکه معنایی مطلوب متصل می‌کند؛ شبکه معنایی که اصلی‌ترین نیاز برای سرزندگی ذهن اوست و بر اساس حضور دیگر انسان‌ها و پدیده‌ها شکل می‌گیرد. در بُعد جمعی نیز نوستالژیا با شبکه‌های معنایی سروکار دارد. البته تفاوت بُعد جمعی با بعد فردی در این است که نوستالژیا در بعد جمعی، بیش از آنکه یک خودنگری ناشی از لحظات چالشی باشد، بیشتر زمینه‌ای برای ایجاد یا حفظ تجربه ما-بودگی بین انسان‌ها بر اساس یک تجربه مشترک در گذشته است. بنابراین، نوستالژیا جمعی فرایندی است که به غنابخشی و معنادگی، بر اساس پیوند اجتماعی کمک می‌کند. در حوزه معماری و تفکر معمارانه، کسانی که به تامل و تفکر در خاطرات خود برمی‌آیند و در ارزش‌گذاری و زنده کردن آن‌ها می‌کوشند، در صدد جستجوی نشانه‌هایی از بستر مطلوب تشکل خاطرات در یک بازه زمانی و مکان دیگری هستند. جایی که به یکباره «لحظه» را از حرکت بازدارد و زمان را به حالت تعلیق میان خاطر، حافظه و حال درآورد (تصویر ۱). برخی از فضاهای معماری با داشتن صفات و کیفیاتی خاص می‌توانند در بردارنده این احساس دلنشین باشند. آن‌ها با تداعی معانی نهفته در خود، کیفیتی مطلوب و ارزشمند را برای مخاطب خویش، در قالب خاطره‌انگیزی به همراه دارند؛ که موجبات تعلق خاطر بیشتر به آن دسته از مکان‌ها می‌گردد. بدین‌سان که اگر تجربه حضور در آن مکان‌ها، مفهوم از دست‌رفته شیرینی را، چه از جهت یادآوری کالبد و چه به لحاظ یادآوری خاطرات فردی و جمعی افراد، تداعی کند، آن مکان در بردارنده احساس نوستالژیا است. تحقق این امر در فضاهای معماری، به خودی خود گامی در جهت تداوم و پیوند معانمند با ارزش‌های گذشته در زندگی انسان محسوب می‌گردد و یکی از پیامدهای آن دست یافتن به مکان‌هایی آشنا تر، ملموس تر و مطلوب تر خواهد بود.

## نوستالژیا

- بکار بستن جنبه های مثبت نوستالژیا
- بکار بستن روان جمعی بشر
- حفظ تجربه ما-بودگی

- کیفیت ضمیمی و خود جوش
- گرایش آموزش نیافته
- تجربه ای از مفاهیم دارای ریشه و اصالت در هر متنی
- سفر به بازه زمانی مطلوب در گذشته
- دل‌تنگی، کشش و جذب به گذشته در قالب موضوعیتی خاص

## نوستالژیا در معماری

- تبیین آن به عنوان یکی از دغدغه های کیفی مکان
- پیش رفتن بسوی یک طراحی ادراکی خاطره انگیز
- التفات به روحیه و احساس کاربر

## به جریان انداختن یاد در مکان

- به کار بستن روان جمعی مخاطبین در مکان
- تجربه عاطفی مفاهیم

تصویر ۱: جنبه های کیفی بروز نوستالژیا که بر کیفیت ادراکی فضای معماری تاثیر گذار است. (ماخذ: نگارندگان)

## پرسش‌های تحقیق

مهمترین مسائل تحقیق که هسته اصلی این پژوهش را شکل می‌دهند، در این راستا طرح گشته‌اند که: فضای معماری متوجه احساس نوستالژیا می‌تواند دربردارنده چه کیفیات و پیامدهایی باشد؟؛ همچنین تقویت و اثربخشی کدام مفاهیم و فاکتورها در فضای معماری، می‌توانند زمینه‌ساز بروز این احساس در کاربران آن گردند؟

## ۲- پیشینه تحقیق

اصطلاح نوستالژی "nostalgia" از دو کلمه یونانی ساخته شده است، "nostos": به معنی بازگشت به خانه است و "algia" که معنی «درد» می‌دهد (A. Margalit, 2011, 271). نوستالژیا خاطره‌انگیز، یادمانه یا دربرپنداشت یک احساس غم‌انگیز همراه با شادی به اشیا، اشخاص و موقعیت‌های گذشته است که آرزومندی عاطفی، احساس گرمی نسبت به موقعیتی در گذشته و دل‌تنگی شدید برای زادگاه از جنبه‌های اصلی چپستی این پدیده است (Dickinson, H. & Erben, M, 2006, 112). به لحاظ روانی، این حس زمانی تقویت می‌شود که فرد از گذشته خود فاصله گیرد. از دیدگاه "آسیب‌شناسی روانی" نوستالژیا به رویایی اطلاق می‌شود که از دوران پراقتدار گذشته نشأت گیرد. گذشته‌ای که دیگر وجود ندارد و به نوعی بازگشت به شکوه و اقتدار آن را آرزو می‌کند. در مباحث روان‌شناسی نوستالژی، دوری از وطن (غم غربت) را تداعی‌گر است. مفهوم غم غربت درماندگی یا اختلالی است که به وسیله جدایی مورد انتظار یا واقعی از محیط خانه و زندگی ایجاد می‌شود. فیشر و هود<sup>۲</sup> (Fisher, S., and Hood, b. 1987, 27, 34).

احساس غربت حالت هیجانی، انگیزشی، و شناختی پیچیده، که حاکی از غمگینی تمایل به بازگشت به خانه است. اصطلاح احساس غربت، واکنش‌هایی را شامل می‌شود که جدایی از افراد، اشیا، مکان‌های مورد علاقه و... را در بر می‌گیرد.<sup>۳</sup> در این باره دونز<sup>۴</sup> (Downs, J., 2002. 76) اشاره به از دست دادن با آرزوی در خانه بودن و احساس تنهایی و غمگینی دارد. نوستالژیا با احساس غربت در آمیخته است؛ تیلبورگ<sup>۵</sup> احساس غربت را یک حالت روانی و عادی برای انسان می‌داند که با خلق افسرده، شکایت جسمانی و نشخوار فکری<sup>۶</sup> درباره خانه و آرزوی بازگشت به خانه و محیط آشنا مشخص می‌شود. همچنین احساس غربت مفاهیم مشابهی مانند: اضطراب جدایی، غم<sup>۷</sup> و اندوه و افسردگی<sup>۸</sup> دارد. آنچه که در پیدایش احساس غربت در انسان نقش اساسی دارد و اغلب روان‌شناسان نیز بر این باورند همان جدایی از محیط خانه (وطن) است (Vantilburg, M. A. ) L. 1997, 57.

الن هیرش اذعان دارد: "در خلال واکاوی انتقالات عصبی، ذهن دست‌خوش تغییراتی می‌گردد و به بخش‌های مختلفی تقسیم می‌شود که دارای خاطراتی مشخص و قابل بیان از کودکی هستند." (Alan R. Hirsch, 1992, 390-395). فروید اظهار می‌دارد: "خاطرات کودکی چیزی جز خاطراتی از خاطراتمان نیستند؛ بخش احساسی حافظه‌مان بسیاری از خاطرات گذشته را منحرف کرده و به آنها رنگ تازه‌ای می‌بخشد" (Freud, S., 1899, 42). خاطرات، شامل عملکرد حافظه و انحرافاتش، توام با فانتزی‌های زندگی است. نمادهایی در دنیای درونی به‌عنوان وسیله‌ای جهت بازآفرینی، بازسازی، بازگرفتن و تصاحب دوباره اشیا اصلی وجود دارند. توانایی تجربه کردن، از دست دادن و آرزوی داشتن دوباره آن شی از طریق آزادی ناخودآگاه فرد در استفاده از آن نمادهاست (Spillius, E. B. Ed. 1988, 2-3). نوستالژی در ادبیات به احساسات رماتیکی و غم دیر متولد شدن اشاره دارد و توام با غم غربت و نگاه حسرت بار به گذشته است (سید حسینی، رضا، ۱۳۶۶-۱۲). در حوزه ادبیات کلاسیک ایران، این احساس به سبب غربت و دوری از دوستان، همزبانان و همدلان است و انسان به گذشته خود باز می‌گردد، تا شاید بتواند کمبودهای روحی و فکری خود را جبران نماید (اسماعیل زاده، فیروز، ۱۳۹۸). در ادبیات معاصر ایران، اخوان ثالث، با بهره‌گیری از باستان‌شناسی به حوزه نوستالژیا پا گذاشته است، نادرپور با غم غربت در شعرهایش پیش می‌رود و نیما یوشیج و فروغ فرخزاد گاهی با بازگشت به دوران کودکی، غم و تنهایی خود را از یاد می‌برند. (ریحانی، محمد، ۱۳۹۱). شواهد نوستالژی برانگیخته شده از منظره‌ها، طعم‌ها و بوهای یادآورکننده کودکی را نیز می‌توان به کرات در رمان‌ها و اتوبیوگرافی‌های نویسندگان

جستجو کرد. نوستالژی در زبان ادبی عصر رمانتیک فرانسه معانی مختلفی به خود می‌گیرد. در آثار ویکتور هوگو به معنی درد سوزان دوری از وطن؛ در آثار بودلر به معنی اشتیاق برای چیزهای از دست رفته و سرانجام در آثار سارتر به معنی حسرت یا اشتیاق هیچ بودن می‌باشد ( سهیر، رابرت . لووی، میشل ۱۳۸۳، ۳۱). در حوزه معماری، شناخت عواملی می‌تواند قابلیت "نوستالژیک بودن" را در آن ایجاد کنند و در آن یکی از شاخصه‌های محیط مطلوب را که ریشه در گذشته دارد، معرفی و حقانیت حضور چنین صفتی را در محیط تبیین کنند (جعفری، رشید، ۱۳۹۸-۲). تجربه احساس نوستالژی حاصل تعامل قطب درون و برون و دیالوگ این دو است. در این باب، قطب درون در مقابل قطب بیرون که شامل محیط ورای فرد است، خود را مطرح می‌کند. لذا در قطب برون است که فضای معماری نیز دخیل می‌گردد و می‌تواند موجب شکل‌گیری بیشتر این احساس شود (جعفری، رشید، ۱۳۹۸-۳). التفات به بعد جمعی نوستالژی با خاطره جمعی نسبت مستقیم دارد، زیرا خاطره جمعی در فضای معماری، تابع تصاویر ذهنی افراد از روابط اجتماعی‌شان، خاطرات و ارزش‌های جمعی‌شان در مکان است (لطافتی، زینب، ۱۳۹۸، ۱۰).

### ۳- بخش مواد و روش‌ها

در این مقاله، در وهله نخست به مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی در زمینه نوستالژی، در حوزه‌های مرتبط از جمله ادبیات، روانشناسی و روانشناسی محیط پرداخته شده‌است. سپس با بهره‌گیری از راهبرد تحقیق تلفیقی توصیف و تفسیر که در همپوشانی یکدیگرند، به تجزیه و تحلیل تفسیری از درک پدیده مذکور و آیتم‌ها و کلمات کلیدی مشترک و هدایتگر حوزه‌های دیگر و حوزه معماری، پرداخته شده‌است. همچنین با استخراج شاخص‌هایی، امکان سنجی ادراک احساس نوستالژی تا سر حد امکان در مکان صورت گرفته‌است. با توجه به اهداف پژوهش، در عملیات میدانی تحقیق از تکنیک میدانی مصاحبه‌ها و پرسش‌نامه‌های نیمه ساختاریافته بهره گرفته شده‌است، تا نگرش معمار به عوامل سازنده موضوع در فضای معماری (مورد مطالعه)<sup>۹</sup> و بر اساس شاخص‌های استخراج گشته، معلوم گردد (جدول ۱).

جدول ۱: مرور سنجش میدانی تحقیق (ماخذ: نگارندگان)

سنجش میدانی	
سنجش و ارزیابی فاکتورهای واکنشی عاطفی	سنجش و ارزیابی ذهن در زمینه یادآوری محیط
<b>مطالعه موردی: محوطه خانه شکوهی در شهر یزد</b>	
<p><b>روش جمع‌آوری داده‌ها:</b> مصاحبه کیفی و سوالات نیمه ساختاری با انتهای بارز + پرسشنامه پیمایشی</p> <p><b>-مصاحبه‌ها:</b> در پی یافتن نوع و اندازه فاکتورهایی با ویژگی‌های:</p> <p>۱- ارتباط احساسی با مخاطب</p> <p>۲- ایجاد برانگیختگی</p> <p>۳- شناسایی برانگیختگی‌هایی در سنخیت با گذشته در محیط</p> <p><b>-پرسش‌ها:</b> ۱- جهت داده شده در مسیر یادآوری محیط</p> <p>۲- جهت داده شده در مسیر احساسات و عواطف ناشی از محیط</p> <p>-استخراج کدهای باز و -بازسازی بدنه اطلاعات</p>	



## ۵- نتایج و یافته ها

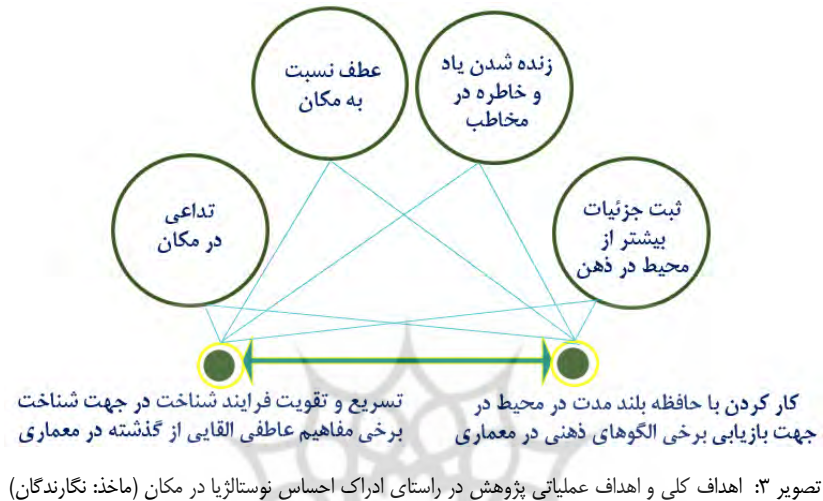
فضای معماری متوجه احساس نوستالژیا، حاوی حس تداوم، در عین تغییرات ناشی از مقتضیات زمانه، است. این پژوهش تلاشی در جهت گره گشایی از معضل بیگانگی روانی برخی مکان های معاصر، از طریق تازه شدن یاد است. نوعی از یاد که بار عاطفی مثبت آن برای انسان بالاست. لذا یادآوری ضمنی برخی مفاهیم عاطفی مرتبط به گذشته در فضای معماری، ایجاد کیفیتی در جهت آشنایی و دل بستگی های عاطفی به مکان است. با توجه به اینکه دیدگاه این تحقیق متمرکز بر ایجاد یک نوع تعامل عاطفی با محیط های جدید و معاصر است، افزایش سطح معانی موثر در مکان اهمیت فراوان دارد؛ که در این پژوهش، با التفات بر ایجاد تداعی در آن میسر می شود. بدین معنا که بایستی بازنمایی ضمنی برخی اطلاعات در محیط به حدی برسد که آن را به سطح تداعی مفاهیم عاطفی مثبت ارتقا بخشد. ارتقای الگوها در محیط بایستی به نحوی صورت پذیرد که یادآوری معانی عاطفی، همراه با فاکتورهای دل تنگی، خوشایندی و برانگیزانندگی باشد. این فرایند منجر به معنادار شدن مکان از طریق خوانش معانی محیط برای انسان می گردد و می تواند حس مکان را از جهت کرختی یا حتی ناخوشایندی، به سمت هیجان انگیزی و برانگیزانندگی عاطفی مثبت سوق دهد. در ادامه در راستای بروز مولفه هایی از احساس نوستالژیا در کاربر فضای معماری، نتایج تحقیقات بصورت اهداف کلی و اهداف عملیاتی مطرح می گردند که از قرار زیر هستند (تصویر ۳).

### ۵-۱- اهداف کلی مرتبط با ادراک احساس نوستالژیا در فضای معماری

- تسریع و تقویت فرایند شناخت در فضای معماری در جهت شناخت معانی و مفاهیم عاطفی<sup>۱۰</sup> القایی از گذشته در معماری
- کار کردن با حافظه بلندمدت مخاطب در فضای معماری (بازیابی الگوهای ذهنی فرد در فضای معماری که می توانند یادآور لحظات شیرین برای او باشند).

پیامدهای مذکور در فوق (اهداف کلی)، موجبات پیامدهای فرعی (اهداف عملیاتی) در محیط می‌گردند؛ که امکان بروز احساس نوستالژیا را در مخاطب فضای معماری افزایش می‌دهد. این پیامدها بصورت سلسله مراتبی بدین صورت مطرح گردیده‌اند:

- ثبت جزئیات بیشتر از فضای معماری در ذهن
- زنده شدن یاد و خاطره در فضای معماری
- تشکل عطف نسبت به مکان
- معانی القایی در مکان، در قالب تداعی معانی عاطفی



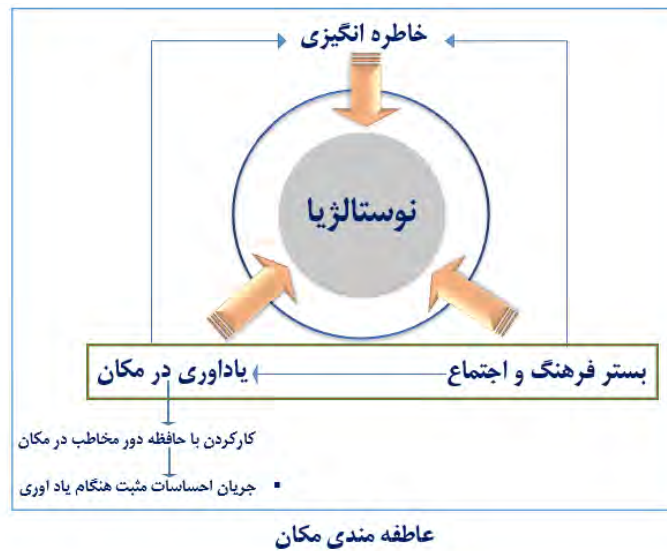
بنابراین در راستای حصول تمامی اهداف طرح و تحقق بیشتر بروز احساس نوستالژیا در مخاطب محیط، التفات به سه مقوله اساسی از ملزومات تحقیق است:

- توجه به عوامل مداخله‌گر موثر فرهنگ و اجتماع مورد تحقیق

- تمرکز بر یادآوری در مکان

- خاطره انگیزی در مکان

این مقولات اساسی در بروز احساس نوستالژیا، همراه با یکدیگر کار می‌کنند و موجبات بروز دیگری را تقویت می‌کنند. با التفات به این امر که ادراک احساس نوستالژیا در فضای معماری با برانگیختگی معانی عاطفی مثبت همراه است؛ لذا اگر بروز سه مقوله فوق در فضای معماری تقویت گردند، تا بدان جایی که موجبات ادراک مفهوم نوستالژیا در مکان گردند، عاطفه مثبت نسبت به آن مکان می‌تواند تا حد بالایی افزایش یابد (تصویر ۴).



تصویر ۴: سه مقوله اساسی امکان سنجی احراز بار نوستالژیا در فضای معماری (ماخذ: نگارندگان)

پدیدار شدن احساس نوستالژیا در هر متنی، در بستر سنت و فرهنگ مرتبط با مخاطب مکان، بهتر و پررنگتر اتفاق می‌افتد. این فرایند منجر به معنادار شدن زندگی از طریق خوانش معانی محیط برای انسان می‌گردد. همچنین، یادآوری در فضای معماری، بایستی با التفات به بستر فرهنگ و اجتماع، انجام پذیرد. مهمترین عاملی که موجبات تقویت یادآوری در مکان می‌گردد، زنده ماندن الگوهای ذهنی در آن است. بر طبق نتایج تحقیقات میدانی این پژوهش، روشنی ادراک، زنده بودن و غنی بودن جزئیات، شدت هیجان تجارب محیطی، سه فاکتور اصلی زنده ماندن الگوهای محیط قلمداد می‌گردند و در نتیجه حضور این فاکتورها، پدیدار شدن دوباره و ضمنی برخی از الگوهای ذهنی زنده در مکان نو، می‌تواند موجب تداعی معانی در آن گردد. لذا، با تمرکز بر عوامل فوق در فضای معماری، امکان ظهور مولفه‌های معنایی احساس نوستالژیا، یعنی دلنگی شیرین، خوشایندی و برانگیختگی، فراهم می‌گردد و در پی آن، حس مکان می‌تواند از جهت ناخوشایندی یا حتی کرختی برخی از فضاهای معاصر به سمت هیجان انگیزی و برانگیختگی عاطفی مثبت سوق پیدا کند (تصویر ۵).



تصویر ۵: امکان سنجی بروز حس نوستالژیا در مکان و حرکت به سمت برانگیختگی مثبت در آن (ماخذ:نگارندگان بر مبنای نمودار برانگیختگی عاطفی

(Neel, R., Becker, D.V., 2012, 583–586,

## ۵-۲- بحث در نتایج و یافته‌ها

### سه مقوله اصلی تحقیق برای تحقق کارکرد تداعی در بروز احساس نوستالژیا در مکان

#### مقوله نخست: تامل بر بستر فرهنگ و اجتماع مورد پژوهش

انسان از طریق معانی و الگوهای فرهنگی وضعیت موجود و واقعیت را به طور نمادین برای خود خلق می‌کند. این امر مبنایی برای الگوهای رفتاری او بر اساس ارزش‌ها و هنجارهایی که به آن‌ها باور دارد، است. انسان‌ها به کمک فرهنگ به یکدیگر وابسته و نزدیک می‌شوند و مشترکات ذهنی خوشایند و خاطره برانگیز افراد از فضای معماری است. افراد به دلیل انجام رفتارهایی در معماری نیز به دنبال مشترکات ذهنی خوشایند و خاطره برانگیز افراد از فضای معماری است. افراد به دلیل انجام رفتارهایی که ناشی از مقتضیات فرهنگی است به یک مکان علاقه‌مند می‌شوند و با آن ارتباط برقرار می‌کنند. یک نوع احساس زنده بودن اجتماعی، فرهنگی و تاریخی که حضور در مکان و فضایی آشنا را به دنبال دارد. شناخت و درک صحیح فرهنگ و اجتماع، موجب گفتگو بین مکان و باشنده برای تشکل حس عاطفی قوی بین آن‌ها و مکان دوستی می‌گردد. این گفتگو، هم‌جنسی و هم‌سنخی فضا با مخاطب خود را می‌طلبد، بنابراین تفاوت‌های ریشه‌دار در فرهنگ و اجتماع باعث تفاوت نوستالژیا در معماری برای ملیت‌های مختلف می‌گردد. بدین سان این چنین درک و استنباط می‌گردد که نوستالژیا مرتبط با فرهنگ و مزاج مردم است. در بسط کلان‌تر این بحث، اگر فضا انعکاسی از هویت فرهنگی - اجتماعی افراد باشد، افراد خود را جزئی از آن می‌دانند و این امر منجر به گسترش حس تعلق اجتماعی می‌گردد.

#### مقوله دوم: تامل بر یادآوری در مکان

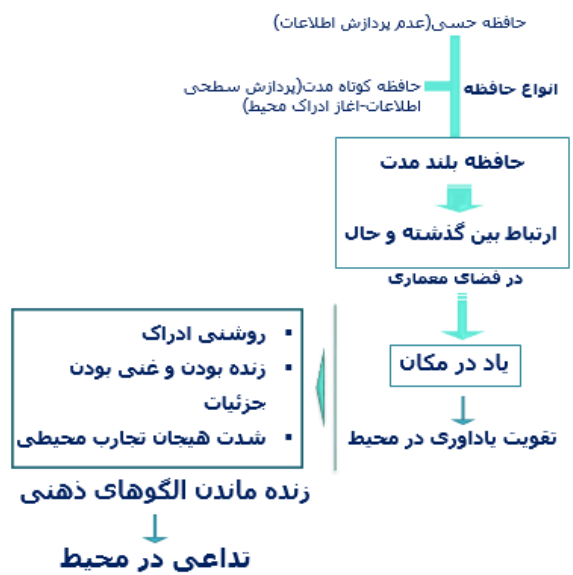
یاد به معنی یاد کردن چیزی، نگه‌داشتن چیزی در ذهن، حافظه، تذکار چیزی از طریق به یادآوردن افراد، اشیاء، مکان‌ها و تجربیات است. این مفهوم انتزاعی و ذهنی، با خاطره نسبتی مستقیم دارد. همچنین می‌تواند به صورت واضح انسان را به یک خاطره مشخص سوق دهد. مکانی که یاد در آن جاری باشد، فرد را در ارتباطی درونی با خویش قرار می‌دهد و تاویل تداعیاتی ملموس را برای وی به همراه دارد.

در راستای اهداف این پژوهش، یادآوری در مکان دو مولفه اصلی دارد:

- به یاد آوردن برخی خصایص مکان توسط کاربر به طور ضمنی یا آشکار
- جریان احساسات مثبت نسبت به آن در هنگام یادآوری

یادآوری در مکان در وهله نخست بکار گزیدن حافظه بلند مدت مخاطب در فضای معماری را خواستار است. مهمترین عاملی که موجبات تقویت یادآوری مکان می‌گردد، زنده‌ماندن الگوهای ذهنی مربوط به آن است. بر طبق تحقیقات میدانی این پژوهش، روشنی ادراک، زنده بودن و غنی بودن جزئیات، شدت هیجانی که تجارب محیطی می‌توانند ایجاد کنند و در نهایت میزان تداعی‌گری در فضای معماری عوامل اصلی زنده ماندن الگوهای محیطی قلمداد می‌گردند (تصویر ۶). در این اثنا توجه به فرایند جذب و درون‌سازی در راستای تعامل الگوهای ذهنی مخاطب و محیط قویا مد نظر است. همچنین بر طبق خواستگاه تحقیق، یادآوری بایستی به سمت غلیان احساسات مثبت سوق گیرد (تصویر ۷). تا اینکه قدرت بالای انطباق مولفه‌های فضای معماری بر طرح‌واره‌های ذهنی مخاطب در عین ارتقای الگوهای ذهنی وی میسر گردد. تقویت شناخت دارای قدرت سازگاری ذهن با محیط و سازماندهی و بازسازی بیشتر در آن است و می‌تواند تجربه‌های عینی را بصورت قوی‌تری با تجربه‌های ذهنی قبلی پیوند بزند. بنابراین در اثر قدرت شبیه‌سازی و تطبیق بالای ذهن و مکان، گفتگو و تعاملی مداوم در محیط و در پی آن ایجاد تعادل در ذهن بوقوع می‌پیوندد.

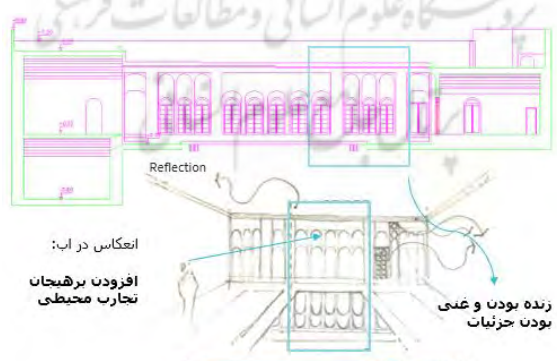




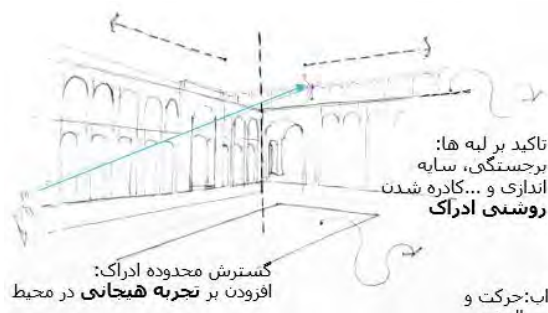
تصویر ۶: فرایند بازیابی اطلاعات ذخیره شده از مکان در ذهن انسان (ماخذ: نگارندگان)



تصویر ۷: برانگیختگی مثبت در اثر انطباق بالا با طرحواره های ذهنی در مکان، امکان بروز حس نوستالژیا را افزایش می دهد (ماخذ: نگارندگان). در این راستا، بخش میدانی پژوهش با مطالعه موردی محوطه خانه شکوهی در شهر یزد، به سنجش و ارزیابی زنده ماندن الگوهای ذهنی در یک مکان، با ارزش معماری سنتی متمرکز گشته است. در میدان پژوهش، نتایجی از مصاحبه ها و پرسش نامه های نیمه ساختار یافته بدست آمده است، که در قالب کدهای تصویری (تصاویر ۸-۱۱)، تحت عنوان فاکتورهای عامل در زنده ماندن الگوهای ذهنی در محیط مذکور، آورده شده است.



تصویر ۸: حیاط اصلی خانه شکوهی- یزد (ماخذ: نگارندگان)



تاکید بر لیه ها:  
برجستگی، سایه  
اندازی و ... کادره شدن  
روشنی ادراک

گسترش محدوده ادراک:  
افزودن بر تجربه هیجانی در محیط

اب: حرکت و  
سیالیت و...  
تجربه هیجانی  
در محیط



تصویر ۹: حیاط اصلی خانه شکوهی- یزد (ماخذ: نگارندگان)

تجربه توالی  
تاریکی و روشنی  
تجربه هیجانی  
در محیط

تکرار  
تکرار و ریتم  
تفانر های صریح  
و پنهان

روشنی ادراک



تجربه هیجانی در محیط : تجربه لذت بخش تغییر یکباره  
حرارت در هنگام ورود به خانه



مواجه با میزان شکوه بصری یکباره حیاط مرکزی در نسبت  
یا ورودی آن: فاز بالایی از تجربه هیجانی محیط

تصویر ۱۱: ورودی اصلی خانه شکوهی- یزد (ماخذ: نگارندگان)

تصویر ۱۰: حیاط اصلی خانه شکوهی- یزد (ماخذ: نگارندگان)

## مقوله سوم: خاطره انگیزی در مکان

خاطره در فضای معماری، فراخوانی اطلاعات برخی الگوها در آن است. همچنین به دلیل اینکه، الگوها به شباهت‌ها حساس هستند و کلیات معین را بیشتر از جزئیات در نظر دارند، بسیار اتفاق می‌افتد که خاطرات مجاور و خویشاوند به هنگام یادآوری با هم تداخل کنند و موجب یادآوری یکدیگر گردند. در این اثنی اگر زمان تجربه طولانی باشد، احساس فراخوانی الگو بزرگتر خواهد بود. لذا خاطره انگیزی در فضای معماری به یادآوردن برخی مکان‌ها و تجربیات، افراد و اشیای موجود در آن‌ها است. نوستالژیا و خاطره انگیزی ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند. گذشته تعاملی هر فرد، در کشف خاطرات و تجارب گذشته وی نهفته است که کشف آن در قوی تر شدن ادراک نوستالژیا در مکان مؤثر خواهد بود.

هر خاطره‌ای دو مرجع زمان و مرجع مکان را با خود حمل می‌کند. مرجع مکانی خاطره، موجب ماندگاری خاطره در حافظه بلند مدت افراد به واسطه بستر خاطره می‌گردد و همچنین، ماندگاری بستر خاطره در حافظه بلند مدت مخاطب، به واسطه عوامل دیگر متشکل خاطره مانند اشیاء، رویدادها، افراد و... نیز اتفاق می‌افتد. هر دوی این امور موجب تعدد در یادآوری خاطره می‌شوند. حال اگر مفاهیم جاری در بستر نو، بستر خاطرات پیشین را بطور ضمنی پر رنگ نماید، این عمل یادآوری خاطرات را قوت می‌بخشد و در پی آن معنامندی بستر نو، بواسطه قوت یادآوری خاطرات، بهتر شکل می‌گیرد. این کنش در بالاترین حد خود، به تداعی معانی در مکان نو منجر می‌شود و می‌تواند به تراکم خاطره، دلنگی و در پی آن به بروز حس نوستالژیا در مکان بیانجامد (تصویر ۱۲).



تصویر ۱۲: ارتباط خاطره انگیزی با تداعی معانی و تاثیر آن بر ادراک احساس نوستالژیا در مکان (ماخذ: نگارندگان)

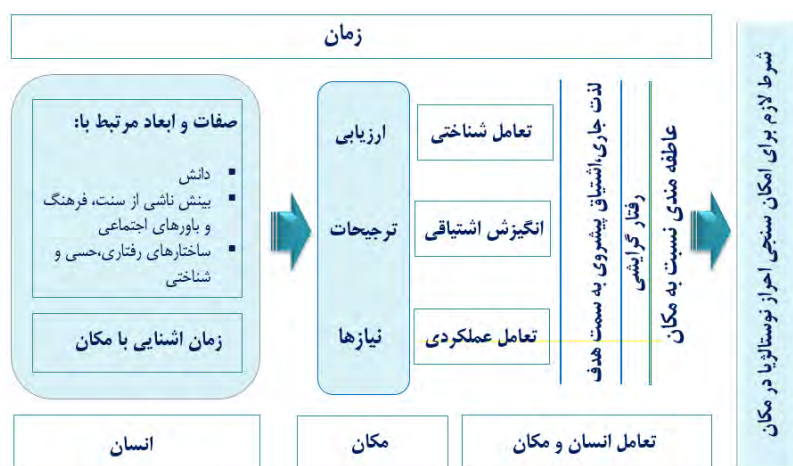
### ۳-۵- ارتباط دوسویه احساس نوستالژیا و تشکل عاطفه مثبت در مکان

عواطف مثبت در فضای معماری بیانگر مشغولیت لذت‌بخش و احساس هوشیاری مخاطب، در برابر ملالت هستند و سطح لذت جاری، اشتیاق و پیشروی به سمت هدف را در فرد با توجه به نوع کاربری مکان افزایش می‌دهند. سیستم عاطفی انسان یک مبنای عصبی دارد و مسیرهای ناقل عصبی در آنها "دوپامین" است. انتظار رویدادهای خوشایند و محیط خوشایند<sup>۱۱</sup>، این مسیرها را فعال می‌کند. یک فضای معماری با بار عاطفی مثبت، محرک سیستم «انگیزشی اشتیاقی» است و به «رفتار گرایشی» کمک می‌کند (دانشپور، سید عبد الهادی، ۱۳۸۸). عاطفه‌مندی، به تأثیر عاطفی یک مکان اشاره دارد که افراد به لحاظ حسی و فرهنگی به آن جذب می‌شوند. تأثیر حسی، عاطفی و درونی مکان بر انسان، مرکز تفکر بار عاطفی آن است (Low, S.M., 1992, 11). کشش عاطفی یا دلبستگی به یک موضوع مثل شیء، مکان، فرد و سایر موضوعات، مبتنی بر تجارب قبلی زندگی، ساختارهای رفتاری، شناختی، حسی و اجتماعی فرد است. انسان بر این اساس، طرح رفتاری، شناختی، حسی و اجتماعی از "خود"، ساخته و تمام تجارب و رویارویی‌های تازه خود با موضوعی نو را بر پایه این طرح، ادراک، ساماندهی و

طبقه‌بندی نموده و به خاطر می‌سپارد. این طرح از "خود"، محرک انگیزه‌های رفتاری وی است. بنابراین در همان هنگام که "خود" ساخته می‌شود، نیازها و توقعات فرد نیز بنا شده و هنگامی که شیء یا موضوعی این نیازها را برآورده می‌کند، فرد احساس آسایش و امنیت نموده و به برآوردن نیازهایش به صورت عینی و ذهنی ادامه می‌دهد. به این ترتیب، فرد به آن شیء یا موضوع جذب شده و بر این اساس با بیان عواطف خود، از این جذب، توجه و مراقبت می‌کند (Marris.P, 1996, 67). لذا بار عاطفی فضای معماری به واسطه علاقه، شناخت و تجربه فرد نسبت به آن و براساس ویژگی‌های فردی، گروهی و فرهنگی مختلف و ارتباطات اجتماعی بین آنها، ساخته می‌شود (Low,S.M., Altman,I.1992, 12) (تصاویر ۱۳-۱۴). در دل‌بستگی به مکان، عوامل قدمت مکان و زمان آشنایی با آن بسیار تاثیرگذار است (Taylor,R.B.,Gottfredson,S.D. و Brower.B, 1985). لذا در این پژوهش بر نقش برانگیزاندگی مولفه‌های نوستالژیک در فضای معماری، در جهت احراز معانی عاطفی<sup>۱۲</sup> و عواطف مثبت تاکید می‌گردد.



تصویر ۱۳: توالی مراحل شکل عواطف نسبت به یک فضای معماری (ماخذ: نگارندگان)



تصویر ۱۴: عوامل موثر بر تشکل عواطف مثبت در مکان (ماخذ: نگارندگان)

در این اثنی که دلبستگی عاطفی به مکان نیز به طور متقابل به احراز احساس نوستالژیا در آن کمک می‌کند؛ بایستی به بررسی هر چه عمیق‌تر فضاهای معماری، در میزان دلبستگی به آنها پرداخت. برای هر چه روشن‌تر شدن و متمایزتر شدن مطلب، بایستی بصورت سلبی نیز پیش رفت. در تفکر به اینکه چه فضاهایی نوستالژی درست نمی‌کنند؟ و به واسطه داشتن چه ویژگی‌هایی این فضاها احساس نوستالژیا را ایجاد نمی‌کنند؟ در طی این گونه سوالات تمام فضاهایی که دارای خاطرات بد هستند، از مسیر ذهن می‌گذرند، به‌طور مثال:

– جاهایی که فرد احساس خوبی در آن‌ها ندارد، که این نیز به نوبه خود از چند جهت قابلیت واکاوی دارد:

۱- فضاهایی که نسبت به عملکرد منفی و غم انگیزشان احساس خوبی بوجود نمی‌آورند. در این باره هر چند هم طراح در طراحی از همه جهت احتیاط ورزد، باز هم خلا ناشی از عملکرد غم‌آلود آن‌ها عطف مثبت به فضا را دربر ندارد در نتیجه نوستالژیا نمی‌سازند.

۲- فضاهایی که در طراحی و ساخت، ارتباط خوبی با روان انسان و نیازهای زیبایی‌شناختی وی برقرار نمی‌کنند.

#### ۵-۴- تداعی در محیط

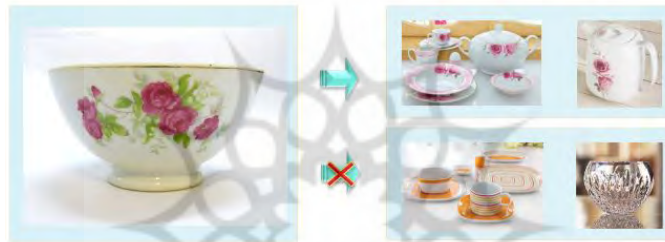
برای تاکید بر تداعی<sup>۱۳</sup> در فضای معماری بایستی ذهن مخاطب به سمت شناسایی معانی و مفاهیم القایی در محیط هدایت گردد. اصولاً این عمل بواسطه روانشناسی ساختار ذهنی فردی انجام می‌پذیرد. مشترکات ساختار ذهنی جامعه باعث می‌گردد هر جامعه‌ای دارای ساختار ذهنی و مقتضیاتی باشد که آن‌را از سایر جوامع متمایز می‌کند. تداعی در حوزه‌ی فردی به معنی آنچه که یک فرد در مواجهه با چیزهایی به خاطر می‌آورد، است. گاهی اوقات نیز، تداعی‌های فردی به تدریج به نشانه‌های جمعی تبدیل می‌شوند.

به‌طورمثال در فرهنگ ایرانی و خارج از حوزه معماری، یک فرد با دیدن ظرف‌های گل سرخ<sup>۱۴</sup> ممکن است به یاد مادر بزرگ خود، مکان زندگی او، آداب رفتاری وی و... بیافتد. با دیدن این ظروف، تسریع و تقویت فرایند شناخت (جذب) (تصویر ۱۵) می‌تواند در اثر عوامل زیر اتفاق افتد: **هویت نقش / جنس: لامسه، لامسه نهفته در باصره، میزان نرمی، وزن / رنگ و...** (تصویر ۱۶). در نتیجه الگویی درونی برای ادراک کننده ایجاد می‌گردد که پل ارتباطی ادراک به شناخت است و می‌تواند الگوهایی ارتباطی، میان داده‌های ذخیره شده در ذهن ایجاد نماید.

## فرایند جذب در محیط



تصویر ۱۵: امکان سنجی فرایند جذب داده های محیط (تسریع و تقویت فرایند شناخت در محیط) (ماخذ: نگارندگان)



تصویر ۱۶: ظرف گل سرخ ایرانی قدیمی که در نمونه های جدید جنس، رنگ، هویت نقش آن ها یادآوری و شناخته می شوند (ماخذ: نگارندگان).

## ۵-۵- هدایت تداعی به سمت تداعی های مثبت عاطفی

در بررسی های روانکاوانه، تداعی تحت تاثیر ناخودآگاه جمعی انسان ها است. این مبحث بر حافظه تداعی گر انسان تاکید دارد، حافظه ای با محتوا که قابلیت آدرس دهی بر اساس "محتوای داده" بجای "صورت داده" دارد. هر تصویری از محیط پیرامون در قالب طرحواره ذخیره شده و در هر بار برخورد شخص با محیط یادآوری می شود. عدم حس غریبگی در یک مکان نشانگر تشکل نوعی از الگوهای درونی از مکان برای ادراک کننده است که به شناخت و بازسازی اطلاعات محیط های دیگر و فراخوانی الگوها می پردازد. الگوهای ذهنی به شباهت ها حساس هستند و اگر به طور محتوایی بر هم منطبق گردند، یکدیگر را تقویت می کنند و باعث می گردند که پروسه "شناخت"<sup>۱۵</sup> در محیط سریع تر و در سطح وسیع تری اتفاق افتد. در نهایت با التفات به انواع تداعی (تصویر ۱۷) در محیط و در اثر انطباق طرحواره های ذهنی با مکان، فضای معماری برای فرد ملموس تر و آشنا تر می گردد. همین امر مهم به نوبه خود با گره خوردن به عواطف درونی فرد، می تواند به بروز احساس نوستالژیا در فرد، در آن مکان کمک کند.

تداعی مفاهیم عاطفی  
تقویت یادآوری های احساسی در محیط





تصویر ۱۷: انواع تداعی در محیط (ماخذ: نگارندگان)

### ۵-۶- تداعی های مثبت عاطفی در مکان با التفات به عاملیت حواس پنجگانه

یکی از دلایلی که فرد در برخی فضاهای کنونی احساس غریبگی می کند، فقر این مکان ها در زمینه ادراک محیطی است. محتوای داده ها در معماری صرفاً با حس ظاهری باصره دریافت نمی گردند و به معماری صرفاً به عنوان یک هنر بصری نگریسته نمی شود (پلاسما، یوهان، ۱۳۹۳). بسیاری از تجارب در مکان بر طبق دما و آکوستیک در آن، بوی درون فضا، چگونگی حس کردن کف در زیر پاها، یا نشستن بر کف زمین آن شکل می گیرد. به طور مثال طنین صدا در محیط، تداعی های خاص می کند. صدای آب، ضرب آهنگ خاصی و... می توانند یادآور و تداعی گر برخی مکان ها باشند. صدا آبه را به مشارکت دعوت می کند و تجربه ای درونی خلق می کند. حس شنوایی، تجربه و درک بهتر فضا را پی ریزی و بیان می کند. فضا به همان میزان که از اشکال بصری درک و احساس می شود، از پژواک صدا در آن نیز تأثیر می پذیرد. در تداعی، هر فضایی پژواک خاصی به همراه دارد، درک شنیداری معمولاً به عنوان یک تجربه ناخودآگاه در پیش زمینه ذهن باقی می ماند و حس ارتباط و انسجام به همراه دارد. مثال دیگر حس بویایی می باشد. با توجه به واژه "فضاهای رایحه" این چنین استنباط می گردد که هر فضای سکونتی می تواند رایحه مربوط به خود را دارا باشد. یک بوی ویژه ندانسته باعث می شود انسان دوباره وارد فضایی گردد که شاید حافظه بصری آن را فراموش کرده است. بویایی، تصاویر فراموش شده را بیدار کرده و فرد را به خیال پردازی در گذشته وامی دارد. یا اینکه در رابطه با حس لامسه، حتی یک تاثیر از وزن و یا نرمی مصالح به عنوان محتوای داده برای کاربران قلمداد می گردد (جدول ۲). بنابراین تداعی در معماری با تمامی حواس درونی و ظاهری آمیخته می شود. ولفگانگ گوتته، Pallasmaa (J. 2005. 18) در این زمینه می گوید: "دستان می خواهند نظاره کنند و چشمان می خواهند لمس کنند. در تفکر یوهانی پالاسما (Pallasmaa, J. 2005. 18) این رویکرد با اتکا به ادراکات جسمی پنجگانه به گرایش مجدد در باب کیفیات حسی مصالح، نور، رنگ و قدمت و تاریخچه ماده و ... در زنجیره ای از زمان امکان پذیر می گردد. جهت گیری های صرف تکنولوژیک و صنعتی سازی بناها، به طور حتم ابعاد شاعرانه- اسطوره ای و استعلایی تجارب زندگی را تضعیف می کنند و این به سهم عظیمی به فقدان علیت حسی در فضای معماری می انجامد. لذا هر انگیزشی از طریق حواس چندگانه می تواند انسان را به جایی برگرداند که خاطره ای از آن دارد.

جدول ۲: پیامدهای تلفات به عاملیت حواس پنجگانه در ایجاد تداعی در فضای معماری (نمونه مورد مطالعه در تحقیقات میدانی: خانه شکوهی، شهر یزد، ایران، ماخذ: نگارندگان)

حیاط فرعی خانه شکوهی - یزد	تجمیع متمرکز حواس پنجگانه در وقوع تداعی	حیاط اصلی خانه شکوهی - یزد
	<p>-تداعی بصری هندسه و فرم شناسی در خانه‌های کهن -صدای طنین آب در حوض‌ها -لامسه نهفته در باصره با حس جنس ملموس مصالح -مصالح متعارف و آشنا -ترکیب رنگ‌های سبز، آبی، سفید و خاکی -تقویت حس بویایی در مکان با تمرکز بر بوی آجر، خاک و گیاهان خیس</p>	

### ۵-۷- وابستگی تداعی به عوامل نشانگی در محیط

تداعی می‌تواند در بسیاری از وجوه تحت تأثیر عوامل نشانگی در قالب نمایه‌ها و کدهای نمادین باشد (تصویر ۱۸). در ایجاد محیطی تداعی‌گر و نوستالژیا ساز، آنچه مشخص‌کننده هر نشانه است، به بیان دقیق، بودن آن چیزی است که نشانه‌های دیگر نیستند. این ویژگی نشانه‌ها می‌تواند ایجادکننده "شخصیت مکان" و سوق دادن آن به صفات و ابعاد خاصی گردد (برودبنت، جفری، ۱۳۸۵، ۲۱-۱۹). حتی تداعی می‌تواند به دلیل شباهت، مجاورت و یا تضاد بین دو عامل عینی و ذهنی، در ذهن فرد به وقوع پیوندد (خوارزمی، حمید رضا، ۱۳۹۴)، تا اینکه تغییرات دائمی، به عنوان ویژگی اصلی زندگی‌های امروز، به واسطه احساس آشنایی ضمنی با محیط، آسان‌تر گردد و موجبات آرامش و امنیت روانی بیشتر مخاطب شود (میرمقتدایی، مهتا، ۱۳۸۸).



تصویر ۱۸: وجوه عوامل نشانگی در ایجاد تداعی در مکان



فضای معماری حاوی احساس نوستالژیا، به دلیل ایجاد حس آشنایی درونی با فضاهای معماری معاصر و دلننگی پنهان برای برهه‌ای خاص از زمان و مکان، باعث ایجاد سلسله‌ای از ادراکات رضایت بخش در کاربر آن می‌گردد. تمرکز بر این امر، تلاشی در جهت گره‌گشایی از معضل بیگانگی روانی برخی فضاهای معماری کنونی، به واسطه یادآوری‌های عاطفی مثبت است. لذا، یکی از فاکتورهای اصلی در ادراک این احساس، یادآوری در مکان است. نوعی از یاد که بار عاطفی مثبت آن برای انسان بالاست. در این راستا، مهمترین مقوله‌ای که موجب تقویت یادآوری مکان می‌گردد، زنده ماندن الگوهای ذهنی در آن است. بر طبق نتایج تحقیقات میدانی این پژوهش، روشنی ادراک، زنده بودن و غنی بودن جزئیات، شدت هیجانی که تجارب محیطی می‌توانند ایجاد کنند، سه فاکتور اصلی زنده ماندن الگوهای محیطی قلمداد می‌گردند. در نتیجه، پدیدار شدن دوباره و ضمنی برخی از الگوهای ذهنی زنده در مکان نو، می‌تواند موجب تداعی معانی در آن گردد. در این راستا، هم معنی از سطح معنی تجسمی به سطح واکنشی ارتقاء پیدا می‌کند و هم اینکه کاربر را به واکنش عاطفی مثبت (در اثر پیدا کردن ارتباط با گذشته) ترغیب می‌کند. یعنی لایه‌های معنی طوری در محیط عملیاتی می‌گردند که تداعی معانی عاطفی در عطف به گذشته، نسبت به محیط ایجاد می‌شود. امکان پذیری این امر با بکار گرفتن قابلیت‌های حسی و معنایی ماده، اجزا و فضای معماری، با تمرکز بر یادآوری آنها و در نهایت تداعی ضمنی برخی از ویژگی‌های اصلی آنها در مکان‌های کنونی محقق می‌گردد.

### تشکر و قدردانی

در این پژوهش از جناب آقای دکتر محمود رازجویان (عضو محترم هیات علمی دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی تهران)، کمال تشکر و قدردانی به عمل می‌آید. ایشان با راهنمایی‌های روزافزون و بی‌بدیل خویش، نویسندگان را در جهت پیشبرد اهداف تحقیق، یاری مداوم نموده‌اند.

### پی‌نوشت

۱. در باب آسیب شناسی و کژکاوی نسبت به نوستالژیا بایستی اذعان نمود که گذشته گروهی بیش از حد فرد و ماندن در احوالات گذشته انحراف از پیامدهای مثبت آن می‌باشد و در واقع این نوع نگرش از جنس نوستالژیا نمی‌باشد، زیرا تقابل با حال گاهی بسیار شدید است؛ بطوری که فرار از واقعیت رخ می‌دهد و وابستگی فرد به آن موضوع منجر به روانپریشی می‌گردد.

2. Fisher & Hood (1987-1988)
3. Archer, 1998, p.407
4. Downs
5. Tilburg
6. Ruminative thoughts
7. Gria
8. Depression

۹. مطالعه موردی پژوهش، خانه شکوهی شهر یزد می‌باشد که یک خانه قدیمی و متعلق به میراث فرهنگی در کشور ایران می‌باشد و بنا بر سنجش‌های انجام پذیرفته در راستای اهداف تحقیق، این مکان (در حافظه جمعی مردم شهر)، جز موارد ملموس و مورد قبول در زمینه پژوهش می‌باشد.

۱۰. معانی عاطفی دسته‌ای از معانی واکنشی در محیط هستند که برانگیزاننده احساسات می‌باشند. در دسته بندی گیبسون در شناخت تعامل بین انسان و محیط زیست، سطح چهارم معنا، "معنای ارزشی و عاطفی" محیط و یا بنای مورد نظر می‌باشد. بر اساس سطوح ارائه شده از معنا، می‌توان جایگاه نوستالژیا را در دسته معانی عاطفی محیط یافت. در این سطح از معنا، ویژگی‌ها و مشخصه‌های محیط با عواطف درونی و احساسی ادراک کننده ارتباط برقرار می‌نماید.

۱۱. محیط‌های خوشایند از دیدگاه مورد نظر این تحقیق، محیط‌های متوجه و مبتنی بر احساس نوستالژیا می‌باشند. لذا رابطه بین ادراک احساس نوستالژیا و دل‌بستگی به مکان، ارتباطی دوسویه ارزیابی می‌گردد؛ زیرا بر اثر تقویت سه مقوله مذکور زمینه‌ساز احساس نوستالژیا

در فضای معماری، کشش و عواطف مثبت نسبت به آن نیز بیشتر می‌گردد. همچنین دل‌بستگی عاطفی به مکان، به احراز احساس نوستالژیا در آن مکان کمک می‌کند؛ چرا که دل‌تنگی نسبت به موضوعیتی غایب، هنگامی به وقوع می‌پیوندد که دل‌بستگی عاطفی نسبت به آن ایجاد گشته باشد و ظهور و بروز علائمی از آن دل‌بستگی‌ها می‌تواند زمینه‌ساز بروز احساس نوستالژیا گردد .

۱۲. در بحث امکان سنجی نوستالژیا در معماری معنی باید از تجسمی به واکنشی ارتقا یابد. بر عاطفه مخاطب اثر گذاشته و وی را به واکنش و یادآوری همزمان ترغیب نماید. همچنین لایه‌های معنی بایستی طوری در محیط عملیاتی گردند که واکنش و یادآوری به سمت مثبت میل نماید.

### 13. Association

۱۴. ظرف گل سرخ یک نمونه از ظروف با طرح شناخته شده و قدیمی گل سرخ در میان ایرانیان است که نقش‌ها و رنگ‌های آن در میان اقوام مختلف شناخته شده بود و از نظر زیبایی شناسی جایگاه والایی در میان مردم داشته است.

### 15. cognition

## منابع

- اسماعیل زاده، فیروز و محقق، مهدی (۱۳۹۸). تصحیح متن، تفسیر فکر (بررسی شیوه تصحیح و تحلیل دیوان ناصر خسرو)، فصلنامه علمی تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)، شماره ۴۲.
- برودینت، جفری (۱۳۸۵). راهنمایی ساده در باب نظریه نشانه‌ها در معماری، نشریه ما، فصلنامه معماری ایران، شماره ۲۱.
- پلاسم، یوهان (۱۳۹۳). چشمان پوست، معماری و ادراکات حسی، ترجمه رامین قدس، تهران، انتشارات پرهام نقش.
- جعفری، رشید؛ ملک، نیلوفر و ندیمی، حمید (۱۳۹۸). درباره نوستالژیا و معماری، تبیین وجوه معماری مبتنی بر نوستالژیا با بهره‌گیری از نظریه زمینه‌ای، نشریه صفا، دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- خوارزمی، حمید رضا (۱۳۹۴). ارتباط مراعات‌النظیر و تداعی معانی و سیر تحول آن‌ها، فصلنامه پژوهش‌های ادبی و بلاغی، شماره ۱۳.
- دانشپور، سید عبد الهادی؛ سپهری مقدم، منصور و چرخچیان، مریم (۱۳۸۸). تبیین مدل دل‌بستگی به مکان و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۸.
- ریحانی، محمد و ربابه قصابان شیروان (۱۳۹۱)، بررسی یکی از مولفه‌های نوستالژیک (دوری از معشوق) در برخی از اشعار منوچهر اثنی، فصلنامه علمی و پژوهشی زبان و ادبیات فارسی، سنج، شماره ۱۰.
- سید حسینی، رضا (۱۳۶۶). مکتب‌های ادبی، تهران: انتشارات نیل، چاپ سوم.
- سهیر، رابرت و لووی، میشل (۱۳۸۳). رومان‌تیسیم و تفکر اجتماعی، ارغنون، شماره ۲. تهران: انتشارات سازمان چاپ .
- لطافتی، زینب و انصاری، حمید رضا (۱۳۹۸). تبیین مدلی در شناسایی و تقویت عوامل تاثیرگذار بر حس مکان و خاطره جمعی (نمونه موردی: حاشیه رودخانه دز)، دو فصلنامه معماری ایرانی، شماره ۱۵.
- میر مقتدایی، مهتا (۱۳۸۸). معیارهای سنجش امکان شکل‌گیری ثبت و انتقال خاطرات جمعی در شهر، مطالعه موردی: تهران، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۷.
- Hirsch, Alan R. (1992), "Nostalgia: A Neuropsychiatric Understanding," in *Advances in Consumer Research*, 19, eds. John F. Sherry, Jr. and Brian Sternthal, Provo, UT: Association for Consumer Research, 390-395.
- Dickinson, H. & Erben, M. (2006) "Nostalgia and Autobiography: The Past in the Present." 112-113 <http://www.scribd.com/doc/24479798/Nostalgia-and-autobiography-the-past-in-the-present> retrieved March 2013
- Downs, J. (2002). Adapting to secondary and boarding school: self-concept, place. 76-78.
- Fisher, S., and Hood, b. (1987). The stress of transition to university: a longitudinal study of psychological disturbance, absent-mindedness and vulnerability to homesickness. *British Journal of psychology*, 78, 425.

- Freud, S. (1899) "Screen Memories in The Standard Edition of The Complete Works of Sigmund Freud" Volume 3 London: The Hogarth Press. 42-45.
- Low, S.M. and Altman, I. (1992), "Placeattachment: aconceptualinquiry", In Low, S.M. and Altman, I. (Eds.) Place Attachment, NewYork, PlenumPress, pp. 1-12.
- Marris, P. (1996),"The Politic of Uncertainty: attachment in private and public life", NewYork, Routledge.
- Margalit. A, "Nostalgia, in psychoanalytic dialogues, 21(3), (2011), pp.271-280.
- Neel, R., Becker, D.V., Neuberg, S. L. & Kenrick, D. T. (2012). "Who expressed what emotion? Men grab anger, women grab happiness". Jour-nal of Experimental Social Psychology, 48, pp. 583-586.
- Spillius, E. B. (Ed.). (1988). New library of psychoanalysis, 7. "Melanie Klein today: Developments in theory and practice", Vol. 1. Mainly theory. Florence, KY, US: Taylor & Frances/Routledge. 2-3.
- Taylor, R. B., Gottfredson, S. D. and Brower, B. (1985), "Attachment to place: Discriminant validity, and impacts of disorderand, diversity", American Journal of Community Psychology, 13, pp.525-542.
- Vantilburg, M. A. L. (1997). The psychological context of homesickness. In M. A.57-60.



**Original Research Article**

**Nostalgia and Architecture, a Survey of Remembering Past Emotional Concepts in Architectural Space, (Case Study: Shokoohi House in Yazd)**

**Hourieh Abna<sup>1</sup>, Seyed Mohammad Hosein Ayatollahi<sup>2\*</sup>, Mohammad Iranmanesh<sup>3</sup>**

1- Ph.D Student in Architecture, Yazd University, Iran.

2- Ph.D in Architectur, Yazd University, Iran.

3- Ph.D in Architecture, Shahid Bahonar University, Kerman, Iran.

**Abstract**

Attachment to the qualitative concepts associated with the past of any contexts leads to a stronger connection with their emotional concepts. In architecture, communication with the background can significantly overcome the disruptions caused by the lack of psychological connection with places. Therefore, the emergence of some nostalgic feelings in the architectural space is one of its qualitative concerns in terms of a conceptual design, so it refreshes the user's mood and emotions because of the remembrance of some enjoyable and qualitative components in place. Nostalgia focuses on the emotional experience of concepts in the architectural space. Feeling a strong sense of nostalgia or weak sense also related to the difference in human schema and variation in human genotype. In the field of architecture, those who reflect on their memories and strive to value and revive them seek to find signs of a favorable context of their memories in another place and time. This research has interpreted some analysis by focusing on library and documentary studies of nostalgia, including literature, psychology and environmental psychology, to understand this phenomenon. According to the major purpose of the research, which is leading to the feel of nostalgia by remembering some of the implications of place, in field research the technique of interviewing and semi-structured questionnaires were used. Paying attention to nostalgia in places leads to awakening the human's collective psyche, and it keeps the connection string to the past and ancient roots in a new format. So the most important consequence of the manifestation of this feeling in architecture is "the emergence of an experience of an intimate, tangible and influential architectural space from the cultural-social context". It is an attempt for emotional meaning and enriches the architectural space with its attachment to the past. Accordingly, the meaning must first be elevated from the visual meaning level to the reactionary level; secondly, it encourages the audience to a positive emotional response (by seeking to connect with the past). Therefore, meaning layers must be operationalized to evoke emotional meanings related to the environment, which are turned to the past.

**Keywords: Architectural Space, Nostalgia, Memory, Reactive Meanings, Association, Implicit Acquaintance.**